بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

فقه اسلامی

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه راپراخه کړه ! او زما امر (درسالت) راته آسان کړه ! او زما له ژبی څخه غوټه پرانیزه ! چې (خلک) زما په خبرو (ښه) وپوهیږي."

من یرد الله به خیر ا یفقهه في الدین.

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی ارادۀ خیر فرماید او را در امور دین دانشمند می سازد"

شمارۀ دوصدو پنجاه وهشتم | جمادی الثانی 1440 | مارچ 2019

عبدالعلی نور احراری

بحثی پیرامون مذهب ظاهری

مذاهب فقهی سه نوع اند : مکتب أهل حدیث ، مکتب أهل رأی و مکتب أهل ظاهر.

مکتب أهل ظاهر یا مذهب ظاهری یکی از مذاهب تسنن است که توسط یکی از فقهای عراق به نام داود بن علی الإصبهانی بنیان گذاشته شد. داود بن علی در سال 202 هجری در کوفه به دنیا آمد و در سال 270 هجری وفات کرد . مذهب ظاهری مذهب فقهی را بنا گذاشته که به ظاهر نصوص سنت و قرآن اعتبار میدهد و رأی را در احکام شرعی فاقد اعتبار دانسته ،قیاس ، استحسان و مراسل مصلحه را از اعتبار سافط می داند ، درصورتی که در موردی نص موجود نباشد به حکم استصحاب(برائت اصلی) اتکا می کند.

این مذهب مخالف تقلید است و به شدت آن را منع و نفی می کند و استصحاب را اباحت اصلی ثابت نظر به قول الله تعالی می داند " هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعا " البقرة: 29. " او کسی است که همه آنچه بر زمین است برای شما آفرید ".

مذهب ظاهری قیاس را به خاطر آن نفی می کند که قیاس باب اجتهاد را به روی عامه مردم می گشاید تا جرئت نموده به استنباط احکام مباشرت ورزند.کتب إبطال القیاس، ابطال التقلید وخبر الواحد از کتب معروف این مذهب است.

با آنکه مخالفین این مذهب و موافقین آن اندک بود این مذهب در قرن سوم و چهارم هجری به بلاد شرق انتشار یافت . هر چند بنیان گذار نخستین این مذهب،داود ظاهری بود ولی اندیشمند بزرگ که یک قرن و اندی بعد ظهور کرد حافظ ابو محمد علی بن احمد بن سعید بن حزم اندلسی است که در سال 384 به دنیا آمد و در سال 456 رحلت کرد .

فضل پسر ابن حزم گفته است: « از تألیفات پدرم به خط خودش چهار صد تألیف نزد من موجود است که مجموعا به هشتاد هزار ورق بالغ می گردد. سلطان علماء العز بن سلطان گفته است: در فتوا دادن خوش نمی شوم تا آنکه کتاب المغنی و المحلی را نخوانم. کتاب المحلی فی شرح المجلی کتاب معروف فقهی امام ابن حزم در 8 مجلد است که در اختیار من قرار دارد و از آن استفاده کرده ام این کتاب عظیم و جامع شرحی بین احادیث مستند و فقه آن است که در آن اختلافات مذاهب فقهی و ترجیح بین آنها ذکر شده است و شرط ابن حزم در روایت حدیث شدید بوده و به هیچ حدیثی جز أصح الأسانید استدلال نمی کند.

اصول مذهب ظاهری :

ابن حزم این أصول را چنین بیان میکند:

بحثی پیرامون مذهب ظاهری/

اول قرآن: و آن اصل شریعت است که با خود بیانگر احکامی چون نکاح و طلاق و مواریث است و یا دارای احکام است که نیاز به شرح دارد مانند تفصیل مجمل معنی نماز و زکات و حج و غیره است و یا بیان سنت که مصداق قول الله تعالی می باشد: « و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم » (النحل:44). و فرو فرستادیم این قرآن را تا آنچه فرستاده شده به مردم بیان کنی.
بیان قرآن گاه واضح و روشن است و گاه خفی و پنهان که مردم در فهم آن دچار اختلاف می شوند یعنی بعضی به معنی آن پی می برند و بعضی پی نمی برند . ابن حزم تعارض میان نصوص قرآن را انکار کرده و ممتنع می داند چون قرآن وحی الهی است پس آیات آن معارض شده نمی تواند البته تعارض به معنای اختلاف است و این امر را الله تعالی منع می کند: «أفلا یتدبرون القرآن و لو کان من غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا»(نساء 82).
آیا در قرآن نمی اندیشید که اگر (قرآن) غیر از جانب خدا می بود در آن اختلاف زیادی می یافتند.
دوم سنت: ظاهریه سنت را دو گونه می دانند:
1 – سنت متواترة : و آن بدون تردد حجت قطعی به شمار می رود و حد اقل تواتر را دو راوی می دانند درصورتی که تهمت کذب بر ایشان نرفته باشد .
2 - خبر واحد: درصورتی که یک راوی یا بیشتر روایت کرده و به حد تواتر نرسد .ظاهریه سنت متواتر را بر خبر واحد ترجیح می دهد و ثقه بودن هر یک از روایان را شرط می داند و عالی ترین مرتبت ثقه آن است که راوی حدیث فقیه ، ضابط و حافظ باشد ، به همین سبب نزد ظاهریه ، اجتهاد صحابی را حجت در دین ندانسته و صحابی و تابعین را قابل تقلید نمی داند .
3 – اجماع : ظاهریه تنها به اجماع عهد صحابه اعتبار میدهند و اجماع بعد از عهد صحابه را اعتبار نمی دهند زیرا اتفاق نظر همه مجتهدین را در یک امر نا ممکن و مستحیل می دانند.
4 – استصحاب: مراد از آن باقی ماندن یک حکم بر مبنای همان اصل است مگر اینکه در آن مورد نص دیگری پیدا شود زیرا اصل در اشیاء اباحت است مگر آنکه در مورد آن نص پیدا شود که دلیل تحریم گردد.

اجتهاد در عصر حاضر

اجتهاد در عصر حاضر سه نوع است:
اول: تقنین (در ساحۀ قانون گذاری).
دوم: فتوا .
سوم: بحث های علمی و تحقیقات.

اول : اجتهاد در تقنین معاصر :

اجتهاد در بعض از قوانین (قانونگذاری) در اول مرحله بشکل (انتقائی) یعنی در داخل مذهب واحد بود و در اکثر کشور های اسلامی که تابع خلافت عثمانی بودند اجتهاد در داخل مذهب حنفی بود . اگر در مذهب حنفی حل مشکل نمی بود در داخل مذاهب چهار گانه ای أهل سنت و جماعت اجتهاد صورت می گرفت و بعداً در خارج مذاهب چهارگانه. در اواخر اجتهاد شکل (انشائی) را در بعض قضایای جدید و مسائل جدید که در جامعه ظهور میکرد بخود گرفت. اگر در تاریخ مراحل تقنین دقت نمائیم ملاحظه می شود که (مجلۀ الأحکام العدلیة) مقدمه در ساحۀ تقنین بود.
مجله به اساس مذهب حنفی تدوین شده. در مرور زمان و بوجود آمدن قضایای جدید و مسائل معاصر علماء و فقهاء از قول مفتی به که در دائره مذهب حنفی بود به اقوال و نظریات دیگران مراجعه نمودند و دلیل عمدۀ آن تحقق بخشیدن مصالح عامه و جلو گیری از مفاسد در جامعه بود .

اجتهاد در عصر حاضر /

محققین و فقهاء باین عقیده اند که در هر مذهب از مذاهب فقهی بعضی مشکلات و موانع و سختگیری برای زندگی مردم است واما در بعض مذاهب آسانی و وسعت بیشتر میباشد خصوصا در حالت موازنه بین نظریات فقهی.

حاجت و ضرورت بودن به مذاهب دیگر در تقنین چنانکه استاد مصطفی الزرقا می گوید در مجله احکام عدلی به تفصیل بحث روی آن صورت گرفته است و علماء این مشکل را بررسی کرده اند . بطور مثال در مورد (الشروط مطلقا فی العقود) « شروط مطلق در عقد ها » که در مذهب ابن شبرمه است بعد از مناقشه و بحث برای حل این معضله به مذهب حنفی مراجعه و از آن گرفتند و دلیل شان این بود که مذهب حنفی در این نوع امور وسط نظر نسبت به مذهب ابن شبرمه دارد .

در اواخر خلافت عثمانی بصورت رسمی این روش فکری (فکر گرفتن و استفاده نمودن از مذاهب مختلف فقهی) در تقنین خصوصا در قوانین خانواده استفاده شد و به مقتضای آن حکومت عثمانی در حقوق خانواده از مذهب مالکی استفاده کرد و حکم تفریق یا جدائی اجباری قضائی را بین زن

و شوهر از طریق تحکیم که در قرآن کریم در حل اختلاف بین زن وشوهر است به آن استنباط شد . قانون جدید برای زن حق داد تا از شوهری که نمیخواهد با او زندگی کند طلاق بگیرد و همچنان مرد حق دادن طلاق زن را که نمی تواند با او زندگی داشته باشد بدهد .

قانون (قانون خانواده) برای زن آزادی داد تا در حالت مفقود بودن شوهر بعد از چهار سال ازدواج کند در حالکیه در مذهب حنفی انتظار زیاد را زن باید بکشد تا به سن کهولت برسد و بعدا حکومت مصر در قضیه تفریق یا جدائی زن از شوهری که مفقود شده در سال 1920 همین حکم را درج نمود .

در سال 1929 حکومت مصر قدم بیشتر در تقنین گذاشت و از اجتهادات خارج از مذاهب چهار گانه نیز در تقنین استفاده نمود و به مقتضای آن قانون نمبر (25) صادر شد که به مقتضای آن طلاق به شروط را در اکثر حالات لغو ساخت و همچنان لفظ طلاق دو بار و سه بار را طلاق اول حساب کرد و نظر و رأی ابن تیمیه را در طلاق گرفت . طلاق به سه و یا دو لفظ یک طلاق حساب میشود را مجمع ازهر تثبیت کرد تا از مشکلات که مردم جاهل در طلاق دارند حل و فصل شود زیرا مردم نادان بدون فهم لفظ سه طلاق را صادر می کردند و بعدا برای حل آن به وسائل غیر مشروع متوسل می گردیدند.

امام المراغی شیخ ازهر بحث جدید را در مسائل تقنین بنام (بحوث فی التشریع الإسلامی) به طبع رسانید و در بحث خود از روش جدید در تقنین خصوصا در قانون خانوادگی دفاع کرد و حق علمای عصر را در اجتهاد تثبیت و آنعده علماء که از تقلید مذاهب در اجتهاد خارج نمی شوند و اجازه هم نمی دهند که در قضایای جدید اجتهادات جدید شود ایشانرا نقد نمود .

تعدیلات جدید در قوانین در نتیجهٔ اجتهادات جدید ، اجتهاداتی که در روشنی تغیرات در جامعه و احوال مردم پیش آمد صورت گرفت که مهمترین قانون در این باب قانون (الوصیة الواجبة) در میراث است . الوصیة الواجبة را بصورت مستقل می آوریم.

دوم : اجتهاد بصورت فتوا :

اجتهاد بصورت فتوا بسیار وسعت و اشکال مختلف دارد . منابع فتوا دارالافتاء های رسمی در کشور هایی اسلامی میباشد مثل دار الافتاء در عربستان سعودی و مصر و کمیتهٔ فتوا در جامع الازهر الشریف و ریاست افتاء در مملکت عربستان

اجتهاد در عصر حاضر /

سعودی و غیره . دار الافتای مصر کتاب بزرگ در فتوا را در یازده مجلد به طبع رسانید .

فتوا های صادر شده از طرف عدهٔ علماء معتبر ، علمای که مردم برای حل مشکلات فقهی شان به ایشان مراجعه می نمایند مثل فتوای امام اکبر محمود شلتوت رحمه الله و مفتی سابق مصر شیخ حسنین مخلوف و فتوا های داکتر یوسف القرضاوی. داکتر یوسفالقرضاوی فتوا را در چند جلد به نشر سپرد .

مجله های اسلامی بجواب سؤالات مردم فتوا ها زیادی را به نشر رسانده تا مشکلات مردم را حل و فصل شود.

در جملهٔ این مجلات میتوان از مجلهٔ « المنار » که مؤسس آن علامه سید رشید رضا است و بشکل یک مجموع کامل در شش مجلد به طبع رسید. « مجلهٔ الأزهر» و « مجلهٔ نور الإسلام» و « مجلهٔ منبر الإسلام » و « مجلهٔ الوعی الإسلامی » در کویت و « مجلهٔ منار الإسلامی» در ابو ظبی و « مجلهٔ الشباب » در بیروت و غیره.

فتوا های مجامع علمی مثل فتوا مجمع البحوث الإسلامیة الأزهر در قاهره ، مجمع الفقه الإسلامی مربوط رابطه العالم الإسلامی در عربستان سعودی، فتوا های هئیت الرقابة الشرعیة للبنوک الإسلامیة و غیره. بزبان دری مجلهٔ فقه اسلامی در امریکا اکثر فتوا ها را ترجمه و به نشر سپرد که مهمترین آن بحثهای دینی و فتوا های فقهی در 600 صفحه است و هموطنان عزیز از سایت فرهنگ و ثقافت اسلامی از آن استفاده کرده میتوانند.

اجتهاد بشکل بحث های علمی و تحقیقاتی :

اجتهاد بشکل بحث های علمی و تحقیقات فقهی مرحلهٔ سوم از اجتهاد است . این فتوا ها بصورت کتابهای علمی و تحقیقی توسط علمای متخصص و همچنان بصورت رساله های ماستری و داکتری و تحقیقات جدید برای کنفرانسهای علمی که استادان پوهنتونها برای رسیدن به درجه های عالی علمی تقدیم کرده اند .

این اجتهادات توسط علمای با تجربه و کسانیکه شرایط علمی را داشته باشند به نشر میرسد و این گروه از علماء یا مستقلانه و یا با استفاده از دلائل قوی از بین نظریات فقهی اجتهاد می کنند . چه این نظریات و آراء از بین آراء قدیم نقل شده باشد ویا از رأی جدید و مبتکر.

برای معلومات بیشتر از این موضوعات به :« الاجتهاد فی الشریعة الإسلامیة » از علامه یوسف القرضاوی مراجعه فرماید .

در باب میراث

قانون میراث , یک قانون کامل و شامل در شریعت اسلامی میباشدو باید در کتاب منفصل آورده شود . در این جا فقط به موضوع مهم که ارتباط به میراث دارد و در جامعه افغانی تطبیق نمیشود اکتفاء میکنیم.

اول نصیب نواسه ها در میراث پدر کلان

سوال : در افغانستان قانون است که نواسه ها اگر پدرشان در حیات پدرکلان وفات نموده باشد از میراث پدر کلان حق نمیگیرند . حکم اسلام در این مورد چیست ؟

جواب :

نواسه از تقسیم میراث پدرکلان به اساس تقسیم میراث حصه ندارد لیکن کاکا ها و عمه ها لازم است تا یک حصه از میراث را برای نواسه بدهند .

در تقسیم ترکه خداوند می فرماید : { و إذا حضر القسمةأولوا القربی و الیتمی و المسکین فارزقوهم منه و قولوا لهم قولا معروف} النساء: **8** .

ترجمه : و هر گاه در تقسیم (ترکه) خویشاوندان و یتیمان و بینوایان حاضر شوند به چیزی از آن (مال)

در باب میراث /

ایشانرا روزی دهید و بآنها حرف خوش و پسندیده بگوئید . ترجمه از استاد سیرت .

برای پدر کلان لازم بود تا برای نواسه های که پدرشان در حیات او وفات نموده بود از میراث وصیت میکرد زیرا نواسه نزدیکترین اقارب وی اند یابودند و این نوع وصیت تحت حکم آیه مبارکه ذیل می آید :

(کتب علیکم إذا حضر أحدکم الموت إن ترک خیرا الوصیه للولدین و الأقربین بالمعروف حقا علی المتقین) البقره: **180**) .

ترجمه : بر شما فرض است که اگر یکی از شما را مرگ فرا رسد و از خود دارائی بجا گذارد تا وصیت کند برا ی پدر و مادر و نزدیکان به اندازه ء متعارف و پسندیده , این حکم, حق و لازم است بر پرهیزگاران.

به اساس همین حکم وصیت در قوانین خانواده و میراث در بعضی از کشور های اسلامی در تقسیم میراث و ترکه برا ی نواسۀکه پدرش در حیات پدر خود وفات نموده باشد حق میراث را تعیین نموده اند که بنام (قانون الوصیةالواجبة) یاد میشود .

الوصیة الواجبة (وصیت واجب)

مرحوم حسنین محمد مخلوف در کتاب خود بنام « فتاوی شرعیة و بحوث إسلامیة » در مورد میراث نواسه که پدرش در حیات پدر خود یعنی جد نواسه وفات نموده میراث میگیرد می نویسد :

نواسه از میراث پدر کلان در صورتیکه پدرش در حیات پدر خود وفات نموده باساس تقسیم میراث حصه نمی گیرد و همچنان باساس قانون وصیت نیز حصه ندارد .

در سال **1946** قانون نمبر **71** بنام (الوصیة الواجبة) صادر شد که باساس آن در محکمه و دار الافتاء در مصر در باب میراث نواسه از پدر کلان معامله میشود .

در این قانون آمده که نواسه از پدر کلان اگر وصیت کرده باشد و یا نکرده باشد و اگر ورثه اجازه بدهند یا ندهند میراث پدر خود را مستحق میباشد که این وصیت بنام(الوصیة الواجبة) یاد می شود .

برای معلومات مفصلتر و بیشتر به کتاب : « حسنین محمد مخلوف ، المواریث فی الشریعة الإسلامیة » مراجعه فرماید . » .

علامه حسنین مخلوف در جواب سؤالی در باب تقسیم میراث شخصی که خانم اش و اولادهایش زنده اند و نواسه اش که پدرش در حیات پدر خود وفات نموده می نویسد :

در نتیجه وفات شخص باساس قانون الوصیة نمبر **71** سال **1846** نواسه در ترکه میراث پدر کلان همان حصه را میگیرد که مقدار که اگر پدرش در وقت وفات پدر خود زنده میبود در حدود ثلث مطابق ماده **76** قانونی که ذکر شد .

به همین ترتیب اگر دختر شخصی در حیاتش وفات کرده باشدنواسه هایی که از دختر اند مطابق قانون الوصیة الواجبة حق مادر خود را میگیرند .

سؤال : زنی در خانۀ پسرش زندگانی می کرد و مقداری از جواهرات داشت , بعد از وفات آن زن , پسرش جواهرات به عوض اینکه برای خواهران و برادران خود تقسیم کند برای خانم خود داد و بعد از مدتی پسر آن زن یعنی شوهر خانمی که جواهرات نزدش بود وفات نمود . حال آن خانم که جواهرات نزدش موجوداست آیا آن جواهرات را برای خود نگهدارد و یا به ورثه خوشوی خود تقسیم کند ؟

جواب : جواهرات اصلا امانتی بوده است که از طرف شوهر به وی سپرده شده است وی آنرا باید بالای ورثه تقسیم نماید و حق شوهر خود را به اولاد خود بدهد .

سؤال : پدری وفات نمود و قبل از وفات سرمایه خود را بالای پسران خود تقسیم نمود و به دلیل اینکه دختران را به شوهر داده است برای شان چیزی نداد . آیا دادن میراث فقط برای پسران پسندیده

در باب میراث /

است ؟ آیا پسران بعد از مرگ پدر برای خواهران شان چیزی از میراث را بدهند تا ذمت پدر را خلاص نمایند ؟

جواب : رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید : (سووا بین أولادکم فی العطیة) در عطاء و یا بخشیدن میان فرزندان خود , مساوات را رعایت کنید . بنابر این اگر پسران می خواهند گردن یا ذمت پدر خویش را خلاص کنند باید نصف آنچه را پدر شان برای شان بشکل هدیه داده است برای خواهران خود بدهند . و آنچه بعد از وفات پدر باقی مانده است بین فرزندان (پسران و دختران) تقسیم می شود .

تقسیم میراث قبل از وفات

سؤال : آیا جواز دارد که میراث را در حیات خود بین اولادها تقسیم کرد . در حالیکه شریعت حکم تقسیم میراث را بعد از وفات میداند .

جواب: از طرف مجمع فقهاء الشریعة بأمریکا :

اصل در این است که مسلمان تقسیم میراث را برای ورثه بعد از وفات بگذارد تا باساس شریعت تقسیم شود و ورثه خود را به تقوی خدا در تقسیم میراث نصحیت کند تا حدودی که خداوند تعیین کرده از آن تجاوز نکنند . لیکن اگر ترس داشت که اولادها در تقسیم میراث با هم منازعه میکنند و حق دختران را تلف میکنند میتواند مطابق شریعت میراث را بین اولاد ها در حیات خود تقسیم کند در این صورت حرج نیست و الله أعلم.

سؤال : آیا دختری که بدون اجازه ولی خود (پدر یا برادران) ازدواج کند حق میراث را دارد ؟

جواب: از طرف مجمع فقهاء الشریعة بأمریکا :

از اینکه دختر بدون اجازه ولی خود ازدواج نموده و با خانوادۀ خود قطع رابطه نموده معصیت بزرگ نموده لیکن با اینکه بدون اجازه ولی خود ازدواج نموده از حق میراث محروم نمیشود . باید نصحیت شود تا به دائره خانواده خود داخل شود و از کاری که نموده توبه نماید .

عاق والدین و میراث

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد

آیا پسر عاق شده از والدین خود میراث می برد؟

جواب :

عاق والدین یا عقوق والدین خصوصا عاق مادر بعد از شرک از جمله گناهان کبیره میباشد . لیکن برای والدین جواز ندارد که پسر خود را عاق کنند و از حق شرعی و قانونی که خداوند در میراث برای اولاد تعیین نموده , اولاد را محروم سازند . حضرت خداوند سبحانه میراث را خودش در کتاب خود تقسیم نموده است و میراث وصیت و از جمله فرائض در آیه میراث برای اولاد ها معرفی شده است.

در سوره النساء آیه یازدهم خداوند می فرماید :

« یوصیکم الله فی أولادکم » و « ءاباؤکم و أبناؤکم لا تدرون أیهم أقرب لکم نفعا فریضه من الله إن الله کان علیما حکیما » .

ترجمه : خداوند شما در مورد فرزندان تان امر میکند, برای مرد (پسر) مانند سهم دو زن (دو دختر) و اگر (ورثه) دختران بیشتر از دو نفر باشند حق ایشان دو ثلث ترکه است و اگر یک دختر باقیمانده باشد پس برای او نصف مال ترکه است, و برای هر یک از پدر و مادر (متوفی) سدس (یک ششم) ترکه میرسد در صورتیکه متوفی فرزند داشته باشد و اگر فرزند نداشت و یگانه وارثان او پدر و مادرش بودند درینصورت برای مادرش ثلث (و باقی به پدر) میرسد و اگر متوفی برادران (یا خواهران) باقی گذاشته باشد برای همه, این سهام (یک ششم) میرسد (و متباقی از پدر خواهد بود (همه, این سهام بعد از ادای آن (حقی) که متوفی به آن وصیت نموده و یا (حق) دین (که برذمه ء میت باشد) در نظر گرفته میشود , شما نمیدانید پدران و فرزندان شما کدام یک بشما از لحاظ منفعت و صلاح نزدیکتر اند ؟ (این احکام) فریضه ای است که از جانب خداوند معین گردیده است , یقینا که خداوند (بهر چیز و هر حال) دانا (و) حکیم است. (ترجمه از استاد سیرت) .

عاق والدین و میراث/

شریعت هیچکس بغیر از قاتل را از میراث محروم نساخته است, برای قاتل میراث نیست .

مادریکه اراده نموده که پسرش را از میراث محروم سازد و وصیت کرده باشد میراث را برای باقی اولادها , این نوع وصیت یک وصیت ظالمانه و شرعا ممنوع میباشد .

وصیت شرعی مقید به دو قید است :

1 - در حدود ثلث چنانچه در حدیث شریف که سعد بن ابی وقاص روایت نموده است (متفق علیه, لؤلؤ ومرجان حدیث: **53**) و همچنان حدیث که ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده است : (لو غض الناس إلی الربع , لأن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال: (الثلث کثیر او کبیر) . اگر مردم وصیت را از ثلث بسوی ربع کم کنند بهتر است , زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند : « ثلث, ثلث بسیار یا بزرگ است» . متفق علیه, لؤلؤ و مرجان حدیث: **1054** /

ساختار و بناء انسان از فرائض دین است

ادیب برازیلی « پاولو کویلو » قصۀ بسیار کوچک را به نشر سپرد . قصه اینطور آغازمی شود :

پدری روزنامه را مطالعه میکرد و اما پسر صغیرش مانع مطالعۀ او می شد. پدر به هدف اینکه طفل صغیر را متوجه عملی بسازد تا مشغول به آن شود. یک صفحۀ از روزنامه که در آن نقشه دنیا بود قطع کرد وآنرا به پارچه های کوچک تقسیم نمود و برای پسر گفت تا نقشه را از یکجا ساختن پارچه های کاغذ دوباره بسازد. پدر دوباره مشغول مطالعه روزنامه شد و باین فکر بود که طفل چند ساعت و یا چند روز مشغول یکجا ساختن نقشه می باشد . اما بعد از سپری شدن پانزده دقیقه طفل برگشت و نقشه کامل را به پدر داد . پدر با تعجب سؤال کرد : آیا مادرت ترا درس جغرافیه داده بود ؟ طفل جواب داد : نه خیر لیکن در صفحۀ عقب نقشه عکس یک انسان بود و زمانیکه انسان را ساختم بناء عالم را نیز ساختم. عبارات طفلانه معنی بسیار عمیق و بزرگ را افاده میکند.

ساختار فرد مسلمان کار مشکل نیست و از جملۀ خیالات نمی باشد بلکه یک مطلب واقعی است . ساختار انسان مسلمان ضرورت و احتیاج به برنامه و دیدگاه جدید دارد. برای ساختن مسلمان معاصر دو عنصر ضرورت است :

آزادی و سعادت .

اول : آزادی :

آزادی در تعریف سیاسی یعنی حق مردم برای انتخاب نظام سیاسی و انتخاب حاکم و زعیم و بناء و ساختن دولت . به این معنی که ملت به ارادۀ آزاد تعبیر نماید و تغیر نظام سیاسی و رسیدن هر حزب به کرسی حکم از راه و روش انتخابات آزادباشد . آزادی اقتصادی یعنی حق مردم در داشتن سرمایه و کار و تجارت و داشتن فرصت خوب برای رسیدن به منافع اقتصادی. موجودیت قضاء مستقل تا بتواند قانون را بصورت آزادانه بالای تمام افراد جامعه بصورت عادلانه تطبیق نماید . آزادی دینی باین معنی که هر فرد در دولت حق عبادت را آزادانه داشته باشد و دولت حق نداشته باشد تا عبادات مردم را تنظیم نماید و نباید معتقدات دینی دلیل به رسیدن به قدرت وگرفتن وظیفه باشد .

آزادی فکری یعنی آزادی بیان و تعبیر از معتقدات و نشر آن بدون ممانعت و مراقبت عامه و دولت . آزادی بسویه جامعه باین معنی که جامعه باید باز باشد و زبانهای متعدد و ادیان متعدد و اقوام متعدد با آزادی در جامعه زندگی داشته باشند و دولت کنترول بالای مسائل قومی و نژادی و زبانی مردم نداشته باشدو زعمای قبائل و رجال الدین تحکم و حاکمیت بالای مردم نداشته باشند مثلیکه در جامعه قبیلوی عصر های گذشته داشتند . جامعۀ که آزادی های ذکر شده را داشته باشد به پیشرفت و ترقی و تعالی میرسد و رفاهیت اقتصادی برای همه محیا می گردد و در این نوع جامعه اعتراف و احترام به حق فرد و حق جامعه و مؤسسات بین المللی و جامعه بین المللی میباشد .

دوم سعادت:

انسان برای رسیدن به سعادت و رفع احتیاجات در مرور تاریخ مراحل بزرگ را پشت سر هم گذاشت . در آغاز زندگی اولین ضرورت انسان به غذاء جهت ادامه زندگی

ساختار و بناء انسان /

بود ، بعد از آن انسان ضرورت به امنیت و بعداً ضرورت به دین پیدا کرد . ضرورت به دین برای جواب دادن به سؤالات که در ذهن بشر وارد میشد مثلا از کجا آمدیم و بکجا باز می گردیم . بعد از مرور زمان و رفع ضروریت های اولیه انسان ضرورت به علم و فهم طبیعت شد و بفکر تکنالوجی گردید تا طبیعت را کشف کند بعداز آن ضرورت به کمالیات یعنی اشیاء لوکس شد و در نهایت و بعد از اکمال ضرورت های اولیه انسان متوجه به سعادت مادی و معنوی گردید .

مبادئ و هدف انسان معاصر این است تا ثروت مند باشد و یا حد اقل محتاج نباشد و همچنان فقیر نباشد خلاف نظریات گذشته که فقر اصل بود و ثروت و غنی استثناء، جنگ اصل بود و صلح و سلام استثناء ، مرض اصل بود و صحتمندی استثناء ، شقاوت در زمین اصل بود و سعادت در جنت ، جهل اصل بود و علم استثناء.

مفاهیم و مبادئ و قیم اجتماعی و فرهنگی و ثقافتی در عصر حاضر نسبت به گذشته کاملا تغیر کرده است و انسان چه مسلمان و غیر مسلمان « مسیحی ، یهودی ، بودائی و حتی بدون دین » همه ضرورت به منزل ، موتر ، تلویزیون، تیلفون ، بیمه صحی ، تعلیمات عالی و وسائل برای تحقق آرزوهای خود دارد و انسان برای تحقق و رسیدن به خواهشات خود رسیدن به زعامت سیاسی و اجتماعی و دینی دارد تا برایش سعادت و آزادی را به ارمغان آورد.

راه رسیدن به سعادت و زندگی با کرامت و آزاد جزء پیروی صادقانه از اصل اسلام نیست و ساختن انسان در اسلام از فرائض دین است که متأسفانه این فریضه در جوامع اسلامی غائب است و مانند سائر فرائض در جملهٔ فرائض غایب بحساب می آید.

تا زمانیکه عدالت اسلامی در تمام امور زندگی سیاسی و اجتماعی و دینی و اقتصادی تطبیق عملی نداشته باشد مسلمان معاصر به سعادت نمی رسد و در شقاوت و عذاب زندگی میداشته باشد. تطبیق عدالت اسلامی فهم و دانش اسلامی می خواهد که متأسفانه اکثریت مسلمانان از حقیقت اسلام بی خبر و در جهالت زندگی دارند.

معرفی کتاب های جدید

ازدواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در ده فصل و 380 صفحه به طبع رسیده و برای مطالعهٔ هموطنان عزیز آماده میباشد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر.همچنان هموطنان عزیز از Amazon.com میتوانند کتاب را فرمایش دهند .

روش فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 498 صفحه موضوعات فکری مسلمانان را به بحث می گیرد. قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست داخل امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر . این کتاب را مستقیماً از آموزن نیز بدست آورده می توانید.

مطالعهٔ تمهیدی عصر رسالت و خلافت راشده

تألیف: فضل غنی مجددی

این کتاب در 420 صفحه مهمترین مسائل اقتصادی و سیاسی عصر اول اسلامی از تاریخ 1 تا 40 هجری را به بحث می گیرد .

قیمت کتاب 25 دالر و قیمت پست برای امریکا 5 دالر و برای اروپا 25 دالر است.

مطالعهٔ تمهیدی در فقه حنفی و جعفری

(توافق و تفاوت)

طبع چهارم در 384 صفحه

قیمت کتاب 25 دالر امریکائی.

کتابها را میتوانید از آدرس فقه اسلامی بدست آورید.

نوت : برای بدست آوردن کتابها آدرس و چک خود را به آدرس فقه اسلامی فرستاده ممنون فرماید/

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one